





۳۸ مهربان‌تر از پدر 


۴۰ درس هفتم — خوش اخلاقی و گذشت 

۴۴ درس هشتم — پاکیزگی در اسلام 

۴۸ درس نهم — سفری به قم 

۵۴ درس دهم — نیکی به پدر و مادر 

۶۰ درس یازدهم — امانت‌داری 

۶۶ با هم دعا کنیم 

درس اوّل



خدای بخشنده و مهربان

اوّلین جلسه‌ی درس دینی بود. دانش‌آموزان خوشحال بودند؛ چون بعد از چند ماه تعطیلی و دوری از هم، دوباره یک‌دیگر را می‌دیدند. بچه‌ها مشغول صحبت کردن با هم بودند که یکی از شاگردان آمدن معلم را به کلاس اعلام کرد و بچه‌ها همگی ساکت شدند.

معلم پس از وارد شدن به کلاس، با لبخندی به دانش‌آموزان سلام کرد و با خوشرویی گفت: «امیدوارم که حال همه‌ی شما خوب باشد و تابستان به همه‌ی شما خوش گذشته باشد. آیا موافقید اوّلین درس را با یک بازی شروع کنیم؟» بچه‌ها با خوشحالی گفتند: «بله. چه بازی؟» معلم گفت: «حالا برایتان می‌گویم. ابتدا تا جایی که می‌توانید نفس خود را نگه دارید بینیم چه کسی مدت بیش‌تری می‌تواند این کار را انجام دهد.» همه‌ی شاگردان این کار را انجام دادند ولی هیچ‌یک نتوانستند مدت زیادی بازی را ادامه دهند.

معلم گفت: «فکر می‌کنید چرا نتوانستید مدت زیادی نفس خود را نگه دارید؟»



علی گفت: «چون بینی و دهان خود را بسته بودیم.»
محسن گفت: «چون هوا به شش‌های ما نرسید.»
معلم گفت: «درست است بچه‌های عزیز. فکر کنید اگر هوا نبود آیا ما زنده می‌ماندیم. حالا بگویید، اگر خورشید نبود چه اتفاقی می‌افتاد.»
علی جواب داد: «همیشه شب بود و هیچ وقت زمین روشن نمی‌شد.»
حسن جواب داد: «هوا همیشه سرد بود.»
رضا گفت: «گیاهان به وجود نمی‌آمدند.»
معلم دوباره پرسید: «اگر آب نبود چه می‌شد؟»
محمد گفت: «آقا من از تشنگی زنده نمی‌مانم.» بچه‌ها خندیدند. معلم گفت:
«آفرین! هیچ‌کس زنده نمی‌ماند حتی حیوانات و گیاهان نیز زنده نمی‌مانند.»
اکبر گفت: «آقا همه چیز کثیف می‌شد و ما نمی‌توانستیم آلودگی‌ها را پاک کنیم.»
معلم گفت: «آفرین تمام چیزهایی را که گفتید درست است. به نظر شما چه کسی به فکر ما بوده است که این همه نعمت به ما بخشیده است؟»
بچه‌ها همگی گفتند: «خدای مهربان»
معلم گفت: «آری، خدای بخشنده‌ی مهربان به فکر ما بوده و از نیازهای ما خبر داشته است. وقتی انسان به نعمت‌های خدا توجه می‌کند، می‌فهمد که خدا چه قدر بخشنده و مهربان است؛ پس، ما باید قدر نعمت‌های او را بدانیم و شکرگزار^۱ نعمت‌هایش باشیم.»

۱- شکرگزار: کسی که خدا را شکر می‌کند.

پیامی از قرآن



«همه‌ی نعمت‌ها را خدا به ما بخشیده است.»

سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۵۳

پاسخ دهید



- ۱- دو مورد از نعمت‌های خداوند را نام ببرید.
- ۲- وقتی به نعمت‌های خدا توجه می‌کنیم، چه می‌فهمیم؟

فکر کن و کامل کن



— ما باید قدر نعمت‌های خدا را بدانیم و نعمت‌هایش باشیم.

..... حالا برایم بگو .. 

چگونه می‌توانیم از آب درست استفاده کنیم؟ در این مورد با دوستان گفت‌وگو کن.

..... اکنون می‌توانی 

در مورد یکی از نعمت‌های خداوند نقاشی زیبایی بکشی.



فَعَالِيَّة پيشنهادي معلّم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مهربان‌تر از همه^۱

ای خدای غنچه‌ها

ای خدای آسمان

ای خدای کوه و دشت

ای خدای مهربان

ای خدای ابر و ماه

ای خدای آفتاب

ای خدای سبزه‌ها

خالق گل و گلاب

هیچ کس در این جهان

مهربان‌تر از تو نیست

ای خدا به من بگو

مهربان‌تر از تو کیست؟

۱- شعر برگرفته از مجله‌ی رشد دانش‌آموز، بهمن‌ماه ۱۳۸۳.



درس دوم



دعوت پیامبر اسلام (۱)

زمانی که حضرت محمد (ص) به پیامبری انتخاب شد، تا سه سال مردم را پنهانی به دین اسلام دعوت می‌کرد. در این مدت، پیامبر (ص) و یارانش نماز خود را در خانه، دور از چشم دیگران می‌خواندند. در آن زمان، مردم مکه بت پرست بودند؛ به همین دلیل، باید کم‌کم به خداپرستی دعوت می‌شدند.

بعد از سه سال، خداوند به پیامبر (ص) فرمان داد که افراد فامیل و آشنایان خود را به دین اسلام دعوت کند. پیامبر نیز به حضرت علی (ع) فرمود که افراد فامیل و آشنایان را به مهمانی دعوت کند.

در روز مهمانی، بعد از خوردن غذا پیامبر از مهمان‌ها خواست که بنشینند و به سخنانش گوش کنند. حضرت محمد (ص) به آنان فرمود: «من آخرین پیامبر خدا هستم؛ آمده‌ام تا راه درست زندگی کردن را به شما و همه‌ی انسان‌ها نشان دهم. اکنون چه کسی حاضر است دین اسلام را بپذیرد و در این راه به من کمک کند تا برادر و جانشین^۱ من باشد؟»

۱- جانشین: کسی که به جای کس دیگری انتخاب می‌شود و وظایف او را انجام می‌دهد.



مهمان‌ها همه ساکت ماندند و پاسخی ندادند. حضرت محمد (ص) سه بار این مطلب را تکرار کرد. هر سه بار، حضرت علی (ع) برخاست و گفت: «ای پیامبر خدا، من یار شما هستم و حاضرم در همه‌ی کارها به شما کمک کنم.»

در این هنگام، پیامبر (ص) دست حضرت علی (ع) را گرفت و به مهمان‌ها فرمود: «این نوجوان، برادر و جانشین من است. به حرف‌هایش گوش دهید و از او اطاعت کنید.» در آن مهمانی اولین کسی که به این دعوت پاسخ گفت حضرت علی (ع) بود.



پاسخ دهید



در روز مهمانی اولین کسی که حاضر شد یار پیامبر باشد چه کسی بود؟

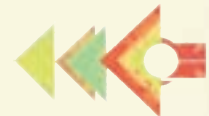
جدول



با توجه به متن درس، پاسخ صحیح را علامت × بزن.

سه سال <input type="checkbox"/>	پنج سال <input type="checkbox"/>	پیامبر (ص) چند سال مردم را پنهانی به دین اسلام دعوت کرد؟
افراد غریبه <input type="checkbox"/>	فامیل و آشنایان <input type="checkbox"/>	پیامبر (ص) چه کسانی را برای دعوت به اسلام به منزل دعوت کرد؟
دوست و همراه <input type="checkbox"/>	برادر و جانشین <input type="checkbox"/>	پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) را به چه عنوان هایی معرفی کرد؟

برای خواندن



اولین مردی که دین اسلام را پذیرفت، حضرت علی (ع) بود؛ ایشان در دوره‌ی نوجوانی مسلمان شدند. هم‌چنین، اولین زنی که دین اسلام را پذیرفت، حضرت خدیجه (س)، همسر پیامبر (ص) بود.

فَعَالِيَّة پيشنهادي معلّم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درس سوم



دعوت پیامبر اسلام (ص)

از هنگامی که حضرت محمد (ص) به دستور خدا دعوت به اسلام را آشکار کرد، روز به روز عده‌ی مسلمانان بیش‌تر شد.

بت‌پرستان و ستمگران^۱ که ثروت^۲ خود را در خطر می‌دیدند، تصمیم گرفتند کاری کنند تا پیامبر (ص) از دعوت خود دست بردارد؛ به همین دلیل، پیش ابوطالب، عموی پیامبر (ص)، رفتند و به او گفتند: «به محمد بگو از دشمنی با بت‌ها دست بردارد تا هر چه می‌خواهد به او بدهیم. اگر دنبال مقام است، ما حاضریم او را رئیس خود کنیم و اگر پول می‌خواهد، بگوید تا او را ثروتمندترین فرد کنیم؛ به شرط این که از دعوت به خداپرستی دست بردارد.»

ابوطالب سخنان بت‌پرستان را برای حضرت محمد (ص) گفت. آن حضرت در جواب فرمود: «برو به آن‌ها بگو که من ثروت و مقام نمی‌خواهم. خدا مرا به پیامبری

۱- ستمگران: کسانی که به دیگران زور می‌گویند و ستم می‌کنند.

۲- ثروت: پول، مال



انتخاب کرده است تا مردم را به دین اسلام دعوت کنم و راه درست زندگی کردن را به آنان نشان دهم.

عمو جان، به خدا قسم اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من بگذارند، از دعوت به خداپرستی دست برنمی‌دارم.»
بت پرستان پیشنهاد خود را چند بار تکرار کردند، ولی پیامبر (ص) هر بار همان جواب را می‌داد.

پیامبر (ص) در راه پیروزی اسلام سختی‌های زیادی کشید، اما هرگز از دعوت به خداپرستی دست برنداشت.

ما مسلمانان نیز وظیفه داریم که راه پیامبر خود را ادامه دهیم و از او اطاعت کنیم و با ستمگران و کسانی که می‌خواهند ما را از راه درست زندگی کردن دور کنند، مبارزه کنیم.



پاسخ دهید



- ۱- بت پرستان برای این که پیامبر (ص) از دعوت مردم به اسلام دست بردارد، به او چه چیزهایی را پیشنهاد کردند؟
- ۲- آیا پیامبر پیشنهاد بت پرستان را پذیرفت؟
- ۳- وظیفه‌ی ما مسلمانان در مقابل ستمگران چیست؟

فکر کن و کامل کن



پیامبر در جواب بت پرستان فرمود: «اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من بگذارند، از دعوت به دست برنمی دارم.»

حالا برایم بگو.....



از این درس چه نتیجه‌هایی گرفته‌ای؟ در مورد آن با هم کلاسی‌هایت گفت و گو

کن.

فَعَالِيَّةٔ پِيَشْنَهَادِي مَعَلِّم

.....

.....

.....

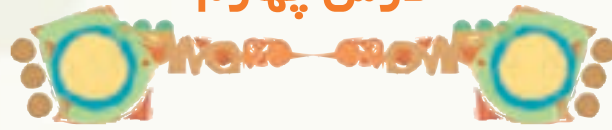
.....

.....

.....

.....

درس چهارم



دعوت پیامبر اسلام (ص)

وقتی بت پرستان دیدند که حضرت محمد (ص) حتی با پول و مقام هم از دعوت به اسلام دست برنمی‌دارد، شروع به آزار و اذیت او و یارانش کردند.

یک روز که پیامبر (ص) مردم را به خداپرستی دعوت می‌کرد، یکی از بت پرستان آن قدر به طرف او سنگ انداخت که از پاهای پیامبر (ص) خون جاری شد، اما آن حضرت از دعوت خود دست برنداشت و با صدای بلند گفت: «ای مردم، بگویید خدایی جز خدای بزرگ نیست تا خوشبخت شوید.»

در آغاز اسلام، عده‌ی مسلمانان بسیار کم بود و بیش‌تر آن‌ها کارگر و فقیر بودند که به خدا و پیامبر (ص) ایمان آورده و مسلمان شده بودند؛ به همین دلیل، بت پرستان مکه مسلمانان را مسخره می‌کردند و به آن‌ها حرف‌های زشت می‌گفتند و آن‌ها را در کوه و بیابان زیر آفتاب گرم و سوزان^۱ نگه می‌داشتند. بت پرستان با این آزار و اذیت‌ها می‌خواستند که مسلمانان دوباره بت پرست شوند ولی آن‌ها در این راه، صبر و مقاومت^۲ کردند و از ایمان به خدا و اطاعت از پیامبر دست برنداشتند.

۱- سوزان: بسیار گرم، داغ

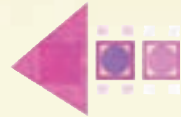
۲- مقاومت: ایستادگی



وقتی پیامبر آزار و اذیت بت پرستان را می دید، به یاران خود می فرمود: «صبر کنید و بدانید که خدا با شماست و سرانجام اسلام پیروز خواهد شد.»



پاسخ دهید



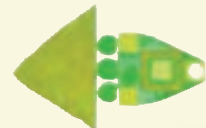
- ۱- وقتی بت پرستان دیدند که پیامبر (ص) با پول و مقام هم، از دعوت به اسلام دست بر نمی دارد، چه کردند؟
- ۲- چرا بت پرستان، مسلمانان را آزار و اذیت می کردند؟
- ۳- دو مورد از آزار و اذیت های بت پرستان را بیان کنید.

فکر کن و کامل کن



پیامبر (ص) به یاران خود فرمود: «..... کنید و بدانید که خدا با شماست.»

نمایش فیلم



در صورت امکان، بخش هایی از فیلم «محمد رسول الله» را در کلاس برای دانش آموزان نمایش دهید.

فَعَالِيَّتْ پِيشْنَهَادِي مَعَلِّم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درس پنجم



کار خوب، نتیجه‌ی خوب



به مزرعه‌ی این مرد نگاه کنید.

مزرعه‌ی او خشک و بی‌حاصل است و آباد نیست.

در فصل تابستان که دهقانان، میوه‌های باغ خود را می‌چینند، مزرعه‌ی او

میوه و محصول ندارد. او غمگین است.

به نظر شما، چرا این مرد ناراحت و غمگین است؟



حالا این باغ زیبا را تماشا کنید.

این باغ علی آقا است.

درخت هایش بزرگ شده و میوه داده اند.

علی آقا میوه ها را می چیند، خودش و دیگران از آن ها استفاده می کنند.

او خوشحال است.

به نظر شما، چرا علی آقا خوشحال است؟

بعضی وقت‌ها به سبب کاری که انجام داده‌ایم، خوشحال و راضی و گاهی اوقات، ناراحت و پشیمان هستیم.

بچه‌ها، یادتان باشد هر کس به اندازه‌ی تلاشی که می‌کند، نتیجه می‌گیرد.

دنیا هم مزرعه‌ی آخرت است؛ یعنی، هر کس در دنیا کار خوب انجام دهد در جهان آخرت نتیجه‌ی خوب می‌گیرد.



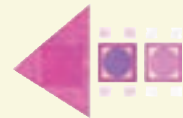
پیامی از قرآن



هر کس به اندازه‌ی ذره‌ای کار خوب انجام دهد، نتیجه‌ی آن را می‌بیند.

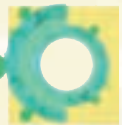
سوره‌ی زلزله، آیه‌ی ۷

پاسخ دهید



— «دنیا مزرعه‌ی آخرت است»، یعنی چه؟

فکر کن و کامل کن



هر کس به اندازه‌ی تلاشی که می‌کند، می‌گیرد.

اکنون می‌توانی بگویی



— چه کارهای خوبی تا به حال انجام داده‌ای؟

— دوست داری چه کارهای خوب دیگری انجام دهی؟

برای تصاویر یک جمله بنویس و درباره‌ی آن‌ها با دوستانت گفت‌وگو کن.



.....



.....

فعالیت پیشنهادی معلم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....